

پژوهش در کلاس های تلفیقی و چندپایه، دوره اول، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۴۰۰

راهبردهای تدریس مطلوب در کلاس های درس چند پایه: مطالعه ای پدیدارشناسانه

محسن کردلو، امیر مرادی، یونس امیراحمدی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی و تبیین راهبردهای تدریس مطلوب در کلاس های درس چند پایه در مقطع ابتدایی از دیدگاه آموزگاران با رویکرد پدیدارشناسی است. برای درک تجربه زیسته شرکت کنندگان از روش نمودشناسی تفسیری از رویکردهای پژوهش کیفی استفاده شده است. نمونه پژوهش حاضر آموزگاران هستند که بیش از پنج سال در کلاس های چند پایه تدریس کرده اند. داده ها از راه مصاحبه ژرف نیمه ساختار یافته جمع آوری و سپس به روش ون منن تحلیل شدند. بر بنیاد یافته های پژوهش مهمترین راهبردهای تدریس اثربخش در کلاس های چند پایه در مقطع ابتدایی از دیدگاه آموزگاران عبارتند از: به کارگیری روش تدریس چندپایه تلفیقی، استفاده از روش ایفای نقش، به کارگیری روش همیاری و بحث گروهی، استفاده از راهبرد معلم یاری، استفاده از ظرفیت های محیطی و مدیریت و سازماندهی کلاس درس اشاره کرد. در نتیجه از دیدگاه مصاحبه شونده گان می توان گفت به کارگیری راهبردهای تدریس مطلوب در کلاس های چندپایه می تواند منجر به اثربخش تر شدن تدریس و در ادامه منجر به عمیق تر شدن یادگیری دانش آموزان گردد.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، راهبردهای تدریس، کلاس های چند پایه، مقطع ابتدایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - دکتری تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران. مدیر مدرسه عمار ۲ ناحیه ۴ کرج، پست الکترونیک: mohsenkordlo@yahoo.com

^۲ - استادیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فرهنگیان، پست الکترونیک: a.moradii@cfu.ac.ir

^۳ - دکتری تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران. کارشناس آموزش سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان، پست الکترونیک:

yamirahmadi@yahoo.com

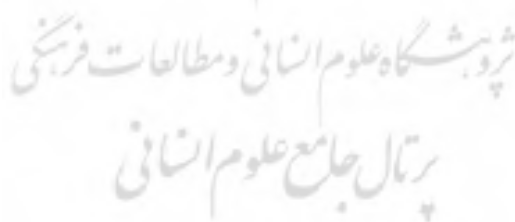
Optimal teaching strategies in multi-grade classrooms: A phenomenological study

Mohsen Kordlo^۱, Amir Moradi^۲, Younes Amirahmadi^۳

Abstract

The purpose of this study is to investigate and explain the optimal teaching strategies in multi-grade classrooms in elementary period from the perspective of teachers with a phenomenological approach. To understand the lived experience of the participants, the interpretive representational method from qualitative research approaches has been used. Examples of the present study are teachers who have taught in multi-grade classes for more than five years. Data were collected through in-depth semi-structured interviews and then analyzed by Van Manen method. Based on the research findings, the most important effective teaching strategies in multi-grade classes in elementary school from the perspective of teachers are: the use of integrated multilevel teaching methods, the use of role-playing methods, the use of collaboration and group discussion methods, the use of teacher-assistant strategies, the use of environmental capacities and management and organization of the classroom. As a result, point of view from the interviewees, the application of appropriate teaching strategies in multi-grade classrooms can lead to more effective teaching and further lead to deeper learning of students.

Keywords: phenomenology, teaching strategies, multi-grade classes, elementary period.



^۱- Doctorate in Philosophy of Education, Kharazmi University, Tehran. Principal of Amar 2 School, District 4, Karaj, E-mail: mohsenkordlo@yahoo.com

^۲ Assistant Professor, Department of Educational Sciences and Psychology, Farhangian University, E-mail: a.moradii@cfu.ac.ir

^۳- Doctorate in philosophy of education, Kharazmi University, Tehran. Education expert, Central Organization of Farhangian University, E-mail: yamirahmadi@yahoo.com

مقدمه

در آموزش و پرورش شرایط متنوعی در حوزه تعلیم و تربیت وجود دارد که متفاوت از یکدیگر بوده و برنامه‌ریزان به ویژه معلمان به مقتضای شرایط می‌بایست کار یاددهی و یادگیری را پیش ببرند، یکی از این شرایط ویژه وجود مدارس کوچک با کلاس‌های چندپایه است. آموزگاران کلاس‌های چندپایه بیشتر از مناطق روستایی برخاسته‌اند. آنان کمترین آموزش را دیده‌اند و از آموزش‌های پایه‌ی معلمی بی‌بهره‌اند. در کنار این در ساختار نظام آموزش و پرورش نیز برنامه‌ریزی خاصی برای توجه به کلاس‌های درس چندپایه صورت نگرفته است و می‌توان گفت آنچه از بررسی ساختار نظام آموزشی بر می‌آید گویی وجود کلاس‌های درس چندپایه به فراموشی سپرده شده است (آقازاده و فضل‌ی، ۱۳۸۹).

مدارس متعددی وجود دارند که در آن‌ها یک معلم مجبور است چند پایه را به طور هم‌زمان و در یک کلاس تدریس کند این موقعیت‌ها نسبتاً رایجند و معمولاً در مناطق روستایی یا در مدارس کپری و مدارس خاص روی می‌دهند. بسیاری از معلمانی که در این موقعیت‌ها قرار دارند تدریس این کلاس‌ها را دشوار می‌دانند ممکن است آموزش یا حمایت کافی لازم برای تدریس موثر در این موقعیت‌ها را هم دریافت نکرده باشند (مکوسانا- کاپیسا، ۱۳۸۶). با این همه، تدریس در کلاس‌های درس چندپایه و دانش‌آموزی در این کلاس‌ها، تجارب فراوانی را به بار می‌آورد. تجارب برآمده از کلاس‌های درس چندپایه برای معلمان، افزایش توانایی حرفه‌ای و دلبستگی به دانش‌آموزان به بار می‌آورد (آقازاده و فضل‌ی، ۱۳۸۹).

در کلاس‌های چندپایه آموزگاران باید بتوانند آموزش و تدریس را با شرایطی که منحصر به فرد این کلاس‌ها است در دست بگیرند و برنامه‌هایی را به اجرا درآورند که با شرایط این کلاس و دانش‌آموزانش سازگار باشد. راهبردهای تدریس در کلاس‌های چندپایه که اکثراً توسط یک نفر با عنوان مدیر آموزگار اداره می‌شود نسبت به مدارس که با پایه‌ها و مدیر مستقل می‌باشد تفاوت‌هایی دارد. در اداره این کلاس‌ها آموزگاران باید راهبردها و روش‌های تدریس خاصی به کار گیرند. سپهوند (۱۳۹۶) از جمله راهبردهای یاددهی در کلاس‌های چند پایه را چیدمان یو (U) شکل و گروه بندی دانش‌آموزان، استفاده از روش‌های نوین تدریس و غیر مستقیم و همچنین روش‌های مجسم، نیمه مجسم و انتزاعی می‌داند. بیگدلی (۱۳۹۶) با روش گروهی، پروژه، تدریس مستقیم، تدریس به همه گروه‌ها و نمایشنامه رابه عنوان راهبردهایی می‌داند که می‌تواند در کلاس‌های چندپایه مفید واقع شود. یدالهی ده چشمه، لیاقت دار و داور پناه (۱۳۹۸)، در پژوهش خود با عنوان "شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت عملکرد معلمان کلاس‌های چندپایه" عوامل مؤثر بر کیفیت عملکرد معلمان چندپایه به ترتیب اهمیت شامل؛ نماد تربیت معلم (دانشگاه فرهنگیان)، دوره‌ها و آموزش‌های ضمن خدمت (توسعه حرفه‌ای معلمان)، روش‌های تدریس، نظام ارزشیابی، مواد آموزشی و محتوای درسی کلاس‌های چندپایه می‌دانند. انصاری و حسنی کریم آباد (۱۳۹۸)، در پژوهشی "توصیف تجارب زیست شده معلمان دوره ابتدایی در مورد کلاس‌های چندپایه" نشان دادند که دو تجربه تجربه زیسته متفاوت بر محوریت مسائل و مشکلات وجود دارد. تجربه زیسته معلمانی که شیوه‌های مدیریتی، تدریس، ارزشیابی، فرایند یاددهی- یادگیری، برنامه هفتگی و طرح درس را به گونه‌ای سازمان می‌دادند که مشارکت و تعامل دانش‌آموزان را در کلاس افزایش دهند و به عبارت دیگر شیوه آنها دانش آموز محوری بود. تجربه دیگر نشان داد که مسئولیت‌ها بر دوش معلمان است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت محدودیت‌ها، مشکلات و رویکردهای معلمان با آنها، شکل دهنده تجربه زیسته معلمان در کلاس‌های چند پایه است. از نظر لیتل (۲۰۰۴)، افزایش دسترسی به فرصت‌های آموزشی در مناطق محروم، افزایش دسترسی برای یادگیری در مدارس با تعداد معلمان ناکافی، نهایت استفاده از معلم و فضای کلاسی و استفاده اثربخش‌تر از منابع موجود در تدریس و پیدایش مدارس چندپایه موثر بوده‌اند. آیکمن و هاج (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود ضمن بررسی چالش‌های دسترسی به کیفیت بالای آموزشی برای کودکان چادر نشین و عشایر دافور سودان در مدارس

۱. Little

۲. Aikman & HAJ

چندپایه بر ضرورت سرمایه گذاری برای مدارس چندپایه سیار و همچنین تدارک منابع کافی برای پشتیبانی از این کلاسها و افزایش اثربخشی آنها تأکید کرده‌اند. با توجه به تحقیقات صورت گرفته در ارتباط با راهبردهای کلاس‌های چند پایه به نظر می‌رسد نیاز به پژوهشی عمیق‌تر با ابعاد گسترده تری در این حوزه است؛ ابعادی که حاصِب تجربه زیسته آموزگاران در این حیطه می‌باشد. بنابراین پژوهش حاضر در صدد بررسی و تبیین راهبردهای تدریس مطلوب در کلاس‌های درس چند پایه در مقطع ابتدایی از دیدگاه آموزگاران با رویکرد پدیدارشناسانه است.

تغییر نگرش نسبت به انسان، مدرسه و تحولات سریع علم و فناوری و نیاز به انسان متفکری که باید خود را با تغییرات غیر قابل پیش بینی آینده سازگار کند موجب شده که یادگیری یک فرایند تلقی شود و هدف از یادگیری؛ اکتشاف، حل مسأله، خواندن برای جستجوی معنی و استفاده از استدلال در نوشتن و استقلال در یادگیری معرفی شود (کدیور، ۱۳۹۸). بنابراین معلم باید دانش-آموزان را با مطالب یادگرفتنی درگیر نماید و راه و روش چگونه آموختن را به آنها بیاموزد نه اینکه تنها به انتقال اطلاعات و معلومات اکتفا نماید. چه بسا معلمی مطالب زیادی تدریس کند اما دانش آموزان حتی مقدار کمی از آن مطالب را یاد نگیرند و در دنیای واقعی خود نتوانند استفاده کنند (شریعتمداری، ۱۳۸۶). دلیل این امر بی‌توجهی مربیان به راهبردهای یاددهی-یادگیری است، در واقع این مربیان روش‌های فعال را در آموزش خود مد نظر قرار نداده‌اند. به همین دلیل کیفیت آموزشی در بسیاری از مدارس در سطح مطلوبی نیست و دانش آموزان علاقه زیادی به تحصیل نشان نمی‌دهند، تأکید بیش از حد بر حفظ طوطی وار اطلاعات موجب شده است که بسیاری از دانش آموزان مطالب را به ذهن بسپارند و پس از پایان امتحانات، آنها را فراموش کنند (سلیمی، ۱۳۸۹). یادگیری زمانی می‌تواند برای فراگیران معنادار باشد که از روش‌های فعال یاددهی-یادگیری استفاده شود. زیرا استفاده از روش‌های فعال باعث تغییرات مطلوب در فراگیران می‌شود و باعث می‌شود که به مسؤلیت‌پذیری و اعتماد به نفس دست پیدا کنند و در تدریس مطالب مشارکت داشته باشند که سبب خودرهبی آنها در امر یادگیری می‌شود (قورچیان، ۱۳۹۰).

در مقایسه با رویکردهای تدریس در کلاسهای درس چندپایه، معلم کلاس چندپایه باید از روش‌ها، فنون و راهبردهای متعدد و موثری برای تدریس آگاه بوده و به طور اثرگذار آنها را برای جلب رضایت‌مندی دانش آموزان به کار گیرد. در کلاس‌های درس چندپایه، دانش آموزانی با سنین مختلف و توانایی‌هایی متفاوت حضور دارند، معلم نباید و نمی‌تواند فقط با تکیه بر یک روش به ارائه محتوا بپردازد. معلم باید طرح درس روزانه‌اش را به دقت آماده کند تا دانش آموزان پایه‌های مختلف را به انواعی از فعالیت‌های یادگیری سودمند وادار سازد (اقازاده و فضلی، ۱۳۸۹).

کلاس درس مانند یک خانواده بزرگ است. در طول یک سال تحصیلی، دانش آموزان از یکدیگر و معلم خود شناخت خوبی پیدا می‌کنند. اعضای یک خانواده، از یکدیگر حمایت می‌کنند و مسؤلیت تحت رهبری والدین را به اشتراک می‌گذارند. در یک کلاس درس دانش آموزان زمان بیشتری با هم هستند. آن‌ها از هم دیگر یاد می‌گیرند و مسؤلیت‌های کلاسی را تحت رهبری یک بزرگسال که معلم است؛ بین هم دیگر تقسیم می‌کنند (مرتضوی زاده، ۱۳۹۵).

اداره کلاسهای چند پایه که در آن دانش آموزانی با پایه، سنین، جنسیت، توانایی‌ها و مهارت‌های متفاوت در یک کلاس به یادگیری مشغول هستند نسبت به کلاسهای تک پایه سخت است. به تبع همین اداره این کلاس‌ها برای معلمان تازه استخدام شده به علت نداشتن تجربه و آمادگی کافی سخت‌تر است. زیرا معمولاً در کشور ما معلمان در این کلاس‌ها به کار گرفته می‌شوند که سابقه تدریس چندانی ندارند. زیرا امتیازهای مطلوبی برای معلمان با سابقه جهت تدریس در کلاسهای چندپایه در نظر گرفته نمی‌شود بنابراین این معلمان نیز معمولاً حاضر نیستند با سابقه‌ای که دارند در این کلاسها تدریس کنند. لذا بهتر است راهبردها یا روش‌های تدریسی به این معلمان آموزش داده شود تا بتوانند بهترین عملکرد ممکن را در کلاسهای چند پایه برای دانش آموزان کم برخوردار داشته باشند.

کلاس‌های درس چندپایه را می‌توان از دو منظر مورد توجه قرار داد یکی از منظر منفی گرایانه یا چالشی و دیگری از منظر مثبت گرایانه باشد. که هر دو منظر می‌تواند در نظام آموزش و پرورش ایران مورد توجه قرار گیرد ولی، بر اساس آن هیچ اقدامی برای برنامه ریزی درسی در مدارس با کلاس‌های درس چندپایه صورت نگرفته است حتی تلاشی برای سازگاری برنامه‌های درسی موجود برای استفاده کلاس‌های درس چندپایه انجام نگرفته است. مشکلات زیادی در کلاس‌های چندپایه وجود دارد که از آن

جمله می توان به سازماندهی برنامه درسی به صورت غیر قابل انعطاف و پایه محور در سطح ملی (آقازاده، ۱۳۸۵)، تخصص کم برخی از معلمان در به کارگیری درست راهبردها و روشهای فعال یادگیری و نظایر اینها اشاره کرد. به هر حال متخصصان مختلف بر اساس پژوهش هایی که انجام داده اند بر به کارگیری راهبردها و روشهای فعال تدریس در کلاس های درس تاکید فراوان کرده اند. زیرا اگر محتوای آموزشی با روش مناسب تدریس نشود، کارآمد نخواهد بود. بنابراین چگونگی یا همان روش تدریس می تواند از محتوای آن مهم تر باشد؛ زیرا محتوا تقریباً قابل دسترس است، اما راهبردها و روش ها تدریس موثر می تواند میزان و نحوه یادگیری دانش آموزان را تضمین کند.

از سوی دیگر با توجه به شرایط خاص کلاس های چند پایه اهمیت روشها و راهبردهای تدریس دو چندان می گردد. بنابراین روشهای تدریس تا آنجا در امر آموزش اهمیت دارد که برخی از متخصصان آموزش و پرورش، تسلط به روشهای تدریس را مهمتر از دانش و اطلاعات معلم دانسته اند. تجربه زیسته نشان داده است، معلمانی که در همه کلاس ها بخصوص کلاسهای چندپایه به روشهای تدریس فعال مسلط بوده و در عمل نیز اینها را به کار می گیرند از دیگر همکاران خود که فقط به دانش و اطلاعات تکیه داشته اند، موفق تر عمل می کنند. بنابراین اکتفا به به روش های سنتی در عرصه آموزش و پرورش کلاسهای چند پایه مطلوب نیست؛ زیرا می تواند منجر به ناکارآمدی نظام های آموزشی گردد. از سوی دیگر راهبردهای یاددهی و یادگیری متنوعی برای تدریس وجود دارد که هر کدام برای شرایط و درس خاصی مناسب است، لذا معلم باید با توجه به هدف های آموزشی، موضوع درس، خصوصیات دانش آموزان کلاس های چند پایه، امکانات موجود، جنسیت دانش آموزان، پایه های تحصیلی و نظایر اینها موثرترین روش تدریس را انتخاب و به کار گیرد. بنابراین هدف و مسئله اصلی این پژوهش بررسی و تبیین راهبردهای تدریس مطلوب در کلاس های درس چند پایه با روش نمود شناسی تفسیری است.

روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش با روش « نمودشناسی هرمنوتیکی» یا «نمود شناسی تفسیری»^۱ از رویکردهای پژوهش کیفی (گیون،^۲ ۲۰۰۸) انجام شده است. روش حاضر اولین بار از جانب هایدگر^۳ (۱۹۹۶) برای شرح و بررسی بودن و نیز هستی انسان استفاده شد. وی برای این کار نمود شناسی هوسرل^۴ را با اندیشه های دیلتی^۵ درباره فهم^۶ ترکیب کرد که منجر به متحول شدن روش نمود شناسی و هرمنوتیک گردید (ضرغامی و بازقندی، ۱۳۸۹).

بنابراین در پژوهش حاضر از روش نمودشناسی تفسیری با تأکید بر رویکرد ون من^۷ برای کشف و استخراج تجربه های زیسته شرکت کنندگان درباره راهبردهای تدریس در کلاس های چندپایه بهره گرفته شده است. به باور ون من (۲۰۰۱) روش نمودشناسی تفسیری، رویکردی سیستماتیک برای مطالعه، پژوهش و تفسیر نموده ها است که فرصتی ایجاد می کند تا نمود مورد مطالعه با رویکردی تفسیری، بررسی و تحلیل شود تا پژوهشگر یا پژوهشگران در فرایند تفسیر، تجربه های زیسته شرکت کنندگان کنندگان را درک کند. ون من سه مرحله جهت شروع و هدایت تحقیق نمودشناسی تفسیری در حوزه تربیت، پیشنهاد می کند. مرحله اول جمع آوری داده های مرتبط با «زیست جهان» شرکت کنندگان و پژوهشگر است. تجربه های زیسته پژوهشگر از آن لحاظ لازم است که وی از یک سو درباره مسأله پژوهش، تجربه هایی دارد و از سوی دیگر خود پژوهشگر است که تجربه های زیسته شرکت کنندگان را تعبیر و تفسیر می کند. مرحله دوم، آشکار نمودن موضوع های زیربنایی است. به عبارت دیگر در این مرحله، ساختار زیربنایی داده ها، نمود پیدا می کند. مرحله سوم، سازماندهی پیشنهادها و جهت گیری ها برای انجام و اجرای اقدام عملی بر

^۱. Hermeneutical phenomenology
^۲. Interpretive phenomenology
^۳. Given
^۴. Heidegger
^۵. Husserl
^۶. Dilthey
^۷. Understanding
^۸. Van Manen

اساس نتایج حاصل از مرحله‌های قبلی است. بر این اساس، این مرحله‌ها، چارچوبی برای تفکر و کنکاش درباره نمود مطالعه شده و و تفسیر آن فراهم می‌کنند.

با نظر به هدف پژوهش حاضر، نمونه آماری ۱۵ نفر می‌باشند که بیش از پنج سال در کلاس‌های چند پایه تدریس کرده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساختار یافته و ژرف و از نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس بهره گرفته شد. در فرآیند مصاحبه از سوالات باز و نیمه سازمان یافته استفاده شد به گونه‌ای که مصاحبه شوندگان در پاسخ به سوالات آزادی عمل داشتند و تنها وظیفه محقق کنترل جهات پاسخ‌ها بود تا از مسیر اصلی پژوهش خارج نشوند. مصاحبه با پرسش کلی درباره تجربه زیسته تدریس در کلاس‌های چند پایه شروع شد.

سوال کلی شامل راهبردها و روش‌های تدریس مطلوب در کلاس‌های چند پایه در مقطع ابتدایی کدامند؟ در صورت امکان چگونگی به کارگیری هر یک را توضیح دهید.

با توجه به ملاحظات اخلاقی، قبل از شروع مصاحبه حضوری و غیرحضوری (تلفنی)، شرکت کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند و با رضایت آگاهانه در مصاحبه شرکت نمودند. جهت ضبط صدای شرکت کنندگان از آنها اجازه گرفته شد. پس از پایان هر مصاحبه، داده‌های مصاحبه‌ها به متن تبدیل شدند و متن حاصل، تحلیل موضوعی^۱ شد. جدا سازی و نگارش گزاره‌های موضوعی، برای هر مصاحبه، جداگانه انجام شد. بدین ترتیب دسته‌بندی‌های نخستین شکل گرفت و موضوع‌های مربوطه در آن‌ها جای گرفتند. با تلفیق موضوع‌های تکراری و مشترک و حذف موضوع‌های نامرتبط، موضوع‌های بنیادی مشترک نمودار شدند.

برای بررسی روایی و دقت پژوهش، اعتبار^۲ اطمینان^۳ و تأییدپذیری^۴ داده‌ها، به این ترتیب بررسی شد (هالوی و ویلر ۲۰۰۴). برای آزمون اعتبار، یافته‌های پژوهش در اختیار مشارکت کنندگان قرار گرفت و آن‌ها، یافته‌های پژوهش را با تجربه‌های زیسته خود بعد از تطابق پذیرفتند. همچنین ژرف اندیشی و علاقمندی و دقت پژوهشگران در فرآیند مصاحبه و توصیف، تجزیه و تحلیل و تفسیر متون مصاحبه اطمینان و تأیید پذیری یافته‌ها را تضمین کرده است.

جدول شماره ۱: مشخصات و ویژگی‌های شرکت کنندگان در پژوهش

ردیف	جنسیت	مدرک تحصیلی	استان محل خدمت	گرایش تحصیلی	سابقه تدریس
۱	زن	لیسانس	زنجان	روانشناسی عمومی	۵
۲	زن	لیسانس	زنجان	مدیریت آموزشی	۹
۳	زن	فوق لیسانس	زنجان	آموزش ابتدایی	۱۴
۴	زن	فوق لیسانس	زنجان	روانشناسی تربیتی	۹
۵	زن	لیسانس	زنجان	برنامه ریزی درسی	۱۰
۶	مرد	لیسانس	زنجان	آموزش ابتدایی	۱۲
۷	مرد	فوق لیسانس	زنجان	آموزش ابتدایی	۱۵
۸	زن	فوق لیسانس	کرمانشاه	مدیریت آموزشی	۸
۹	مرد	فوق لیسانس	کرمانشاه	فلسفه تعلیم و تربیت	۱۰
۱۰	زن	لیسانس	آذربایجان شرقی	برنامه ریزی درسی	۵
۱۱	زن	فوق لیسانس	آذربایجان شرقی	مشاوره و راهنمایی	۲۱
۱۲	مرد	فوق لیسانس	آذربایجان شرقی	روانشناسی تربیتی	۱۷
۱۳	مرد	لیسانس	آذربایجان شرقی	روانشناسی عمومی	۸

۱. Thematic analysis
۲. Credibility
۳. Dependability
۴. Confirm ability
۵. Holloway & Wheeler

۱۴	زن	فوق لیسانس	البرز	آموزش ابتدایی	۱۲
۱۵	مرد	فوق لیسانس	البرز	آموزش ابتدایی	۱۱

یافته های پژوهش

در پژوهش حاضر پس از تبدیل مصاحبه ها به متن و توصیف و تحلیل مصاحبه های انجام گرفته، راهبردها و روشهای مطلوب تدریس در کلاسهای چند پایه استخراج و در قالب جدول در زیر ارائه شده است. عنوان راهبردها و روشهای مطلوب تدریس که در جدول های زیر آمده ترکیبی متقارن از نظرات شرکت کنندگان است. در جدول های زیر علاوه بر عنوان راهبردها و روشهای مطلوب تدریس، فراوانی هر مولفه به صورت مجزا بیان شده است.

جدول شماره ۲: مولفه ها و فراوانی بدست آمده از تحلیل سوال اول از نظر شرکت کنندگان.

ردیف	مولفه ها راهبردها و روشهای مطلوب تدریس	فراوانی معلمان
۱	تلفیقی چندپایه (ارتباط عمودی)	۹
۲	ایفای نقش	۱۲
۳	روش همیاری و بحث گروهی	۱۳
۴	همتا آموزی (معلم یار)	۱۴
۵	استفاده از ظرفیت های محیطی	۸
۶	مدیریت و سازماندهی کلاس درس (توجه به چینش برنامه درسی، چینش کلاسی و...)	۱۴

توصیف و تشریح مولفه ها (راهبردها و روشهای تدریس)

با توجه به جدول شماره یک، شش مولفه در ارتباط با راهبردها و روش های تدریس در کلاس های چند پایه بعد از تلفیق، ترکیب و هم پوشانی گزاره های مشترک ارائه شده توسط مصاحبه شوندگان استخراج گردید.

۱- روش تدریس تلفیقی چندپایه (ارتباط عمودی)

روش تدریس تلفیقی روشی است که دانش آموزان با استفاده از آن در مورد یک موضوع درسی مشخص از جنبه ها و ابعاد متفاوت اطلاعاتی را به دست می آورند. نظام آموزشی کشورمان تقریباً سنتی است به همین دلیل برخی از محتوای برنامه درسی دانش آموزان مستقل و تقریباً بدون ارتباط با یکدیگر است. ولی با استفاده از این روش در تمام کلاسهای درسی و مخصوصاً کلاسهای چندپایه دانش آموزان می توانند به صورت عمیق و کامل در مورد موضوع درسی اطلاعات و دانش مطلوبی به دست بیاورند. با استفاده از این روش دانش آموزان احساس می کنند که فرصت کافی برای تکمیل تدریس برنامه درسی تعیین شده را دارند و می توانند مطابق با نیازهای روز پیش بروند. زیرا دیگر مجبور به اجرای برنامه های درسی از پیش تعیین شده نیستند. روش تدریس تلفیقی گرچه نیازمند برنامه ریزی درست و صرف زمان بیشتر از سوی معلم است ولی محیطی لذت بخش و فعالی را برای یادگیری ایجاد می کند.

ادوارد کلارک^۱ در این رابطه می گوید: اگر قرار است برنامه درسی را به عنوان زندگی در همه مظاهر آن در نظر بگیریم، باید کلاس درس را نیز شامل خانه، جامعه و جهان تصویر کنیم. در چنین کلاس گسترده ای هر کس هم معلم است و هم یادگیرنده، شاید کم اهمیت ترین جزء تجربه آموزشی در کلاس مذکور، آن نوع موضوع یا محتوای آموزشی است که امروزه به صورت سنتی

تدریس می شود (کلارک، ۱۹۹۷). یکی از راهبردهای تدریس در کلاس های چند پایه به کارگیری روش تدریس تلفیقی است که مصاحبه شوندگان به این راهبرد اشاره کرده اند. در همین راستا به تجربه زیسته دو نفر از مصاحبه شوندگان اشاره می شود.

«روش تدریس تلفیقی چندپایه یکی از راهبردهایی است که معلم می تواند با به کارگیری آن در کلاس خود زمان را مدیریت کند و مانع بی نظمی در کلاس شود. این روش تدریس در کلاسهای چندپایه کاربرد زیادی دارد. یکی از مواردی که در این روش مهم است این است که معلم توانایی کاربردی آن را در کلاس داشته باشد. بنابراین نیاز است معلم از قبل اقدام به نوشتن طرح درس کند. اما قبل از آن نیز باید تعیین کند که قصد دارد چه پایه هایی را آموزش دهد و سپس اینکه چه موضوع مشترکی را به آنها آموزش دهد و ... مثلاً با توجه به ارتباط عمودی می توانیم مثلاً درس ریاضی سه پایه نزدیک به هم را در یک ساعت تدریس کنیم. برای این کار می توانیم با روش تلفیقی، مطالب را طوری بیان کنیم که به هر سه پایه تدریس شود و ...» (معلم، کد مصاحبه ۴).

«یکی از روش هایی که من در کلاس استفاده می کنم روش تدریس تلفیقی است. چون تعداد پایه های زیاد و باید در یک ساعت همزمان چندپایه را تدریس کنم، برای تدریس بسیاری از درسها این روش کم کم می کنه. هر چند کاربرد این روش برای معلم سخت است. چون لازمه برای اجرای این روش در کلاس های چند پایه ابتدا باید مفاهیم مشترک دروس مختلف استخراج گردد و بعد بقیه مراحل گام به گام انجام شود. معلم در این روش از مفاهیم پایه های پایین تر آغاز می کند و به تدریج مفاهیم دست بالا را برای دانش آموزان پایه های بالا توضیح می دهد و ... این روش محتوای کتاب ها را باهم مرتبط می کند و در یک مسیر برای یک هدف مشخص سوق می دهد و به ذهن دانش آموزان انسجام می بخشد و ... مثلاً مبحث اعداد مخلوط تو چند پایه که هست اون مبحث کتاب شونو تو یه روز باهم و پشت سر هم تدریس کنیم» (معلم، کد مصاحبه ۷).

۲- روش تدریس ایفای نقش

روش ایفای نقش روشی است برای تجسم عینی موضوعات و درس هایی که برای نمایش مناسب است بکار برده می شود. در این روش، دانش آموزان بر اساس علائق خویش، نقش های مورد نظر را انتخاب کنند و با نظارت و راهنمای معلم به ایفای نقش خود می پردازند. با توجه به وجود پایه های مختلف در کلاسهای چندپایه و زمان کم معلم این روش می تواند راهبرد مناسبی برای آموزش بسیاری از موضوعاتی باشد که در کلاسهای چند پایه با توجه به زمان کم می توان از آن بهره برد. استفاد شایسته از این روش می تواند منجر به ایجاد و افزایش شور و شوق و انگیزه درونی در دانش آموزان، کاهش کم رویی دانش آموزان، آشنایی با نقش های مختلف موجود در جامعه و قبول ارزش های اجتماعی و نظایر اینها گردد. بنابراین یکی از راهبردهای تدریس در کلاس های چند پایه استفاده از روش ایفای نقش است که اغلب مصاحبه شوندگان به این راهبرد اشاره کرده اند. در همین راستا به تجربه زیسته دو نفر از مصاحبه شوندگان اشاره می شود.

«روش تدریس ایفای نقش را چون خود دانش آموزان اجرا می کنند برای همه دانش آموزان هم برای تک پایه و هم برای چندپایه خیلی خوبه. من این روش را هم در کلاسهای تک پایه و هم چندپایه به کار برده ام و در هر دو بازخوردهای خوبی از دانش آموزان و و نحوه ی یادگیری شان دریافت کرده ام. این روش باعث دیده شدن دانش آموزان مخصوصاً دانش آموزان خجالتی می شود از سوی دیگر دانش آموزان کلاس که نقش بیننده دارند هم خوب است زیرا تمام حواس دانش آموزان جهت مشاهده نمایش است و عمل یادگیری بهتر انجام می شود و ...» (معلم، کد مصاحبه ۱).

«... از روش ایفای نقش در کلاس های چند پایه می توانیم استفاده کنیم. مثلاً برای آموزش مبحثی از ریاضی مثل الگوها، اشکال هندسی، عدد خوانی و غیره می توانیم این روش را که به صورت سلسله مراتبی و به صورت پایه به پایه تکمیل می گردد استفاده کنیم. به عنوان مثال ویژگی های اشکال چند ضلعی را می توانیم در قالب ایفای نقش به صورت یک خانواده در نظر بگیریم و در هر پایه یک یا چند عضو خانواده را بنا به محتوای کتاب به دانش آموزان معرفی کنیم. مثلاً سه گوش یا چهار گوش در اول ابتدایی؛ متوازی الاضلاع و لوزی در پایه سوم و چهارم و چند ضلعی های منظم در پایه ششم» (معلم، کد مصاحبه ۴).

۳- روش همیاری و بحث گروهی

یکی از روش‌هایی که سبب رشد و گسترش مهارت‌های ارتباطی و کلامی دانش‌آموزان و بخصوص دانش‌آموزان کلاس‌های چند پایه می‌گردد، روش همیاری و بحث گروهی است؛ زیرا به علت تراکم کم دانش‌آموزان، وجود دروس مختلف و غیره فرصت برقراری ارتباط اجتماعی محدودتر است. در این روش فراگیران امکان بحث و تبادل نظر در خصوص موضوعات را کسب و سپس در مورد آن بحث می‌کنند. از این طریق، ارتباطات، تبادل تجربیات و قدرت کلام در آنها تقویت می‌گردد. بنابراین در این روش، که جزو یادگیری‌های اکتشافی است، دانش‌آموزان نقش فعالی در فرایند یادگیری یکدیگر دارند و رفاقت جایگزین رقابت می‌گردد. بنابراین یکی از راهبردهای تدریس در کلاس‌های چند پایه استفاده از روش بحث گروهی و مباحثه‌ای است که اغلب مصاحبه‌شوندگان به این راهبرد اشاره کرده‌اند. در همین راستا به تجربه زیسته دو نفر از مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌شود.

«برخلاف رقابتی که بچه‌ها یا برنده یا بازنده هستند در این روش دانش‌آموزان در کنار هم برای هدف مشترکی به دور از رقابت، همکاری می‌کنند و معلم نیز نقش ناظر رو دارد و همزمان به پایه‌های دیگه تدریس می‌کند و...» (معلم، کد مصاحبه ۶).

«من از روش بحث گروهی در آموزش و یادگیری مفاهیم مختلف درسی از جمله ریاضی استفاده می‌کنم. مثلاً در آموزش مفهوم الگویابی می‌توانیم این روش را پیاده کنیم. دانش‌آموزان هر پایه راجع به هر الگو با یکدیگر بحث و گفتگو می‌کند و در پایان با استفاده از روش بحث گروهی به حل الگوی مورد نظر دست می‌یابند. از این روش در پایه‌های پایین‌تر نیز استفاده می‌کنم. در پایه‌های پایین‌تر بیشتر در قالب اشکال رنگی و الگوهای شکلی و در پایه‌های دوم و سوم به صورت الگوهای عددی ثابت و در پایه‌های بالاتر یعنی پنجم و ششم به صورت الگوهای عددی متغیر استفاده و آموزش می‌دهم. لذا بچه‌ها با روش بحث گروهی می‌تواند این الگوها را با مشورت با یکدیگر پیدا کنند و به الگویابی و الگو نویسی مورد نظر دست یابند» (معلم، کد مصاحبه ۵).

۴- همتا آموزی یا معلم یار

یکی از راهبردهای تدریس در کلاس‌های چند پایه به کارگیری دانش‌آموزان هم پایه برتر یا پایه‌های بالا جهت تدریس در پایه‌های پایین است که اغلب مصاحبه‌شوندگان به این راهبرد اشاره کرده‌اند. در همین راستا به تجربه زیسته دو نفر از مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌شود.

«از پایه‌های بالاتر برای پایه‌های پایین‌تر کمک بگیریم و بخواهیم که نظارت کنند به درس کلاس پایینی‌ها. مثلاً از دانش‌آموزای ششم بخواهیم به بررسی تکالیف و پرسش از کلاس دومی‌ها پردازند و ما خودمون به کلاس پنجم درس بدیم و بر کار معلم یارها هم نظارت کنیم. چون دانش‌آموزان زبان همدیگر رو بهتر می‌فهمند. به همین خاطر می‌توانند معلم همدیگر باشند و راحت‌تر از معلم به یکدیگر درس بدهند» (معلم، کد مصاحبه ۱).

«یکی از راهبردهایی که من در این کلاسها استفاده می‌کنم که به خوبی هم جواب داده استفاده از همتا آموزی یا ارائه راهنمایی از سوی شاگردان برتر هم پایه یا بالاتر است. خیلی پیش اومده که من مطلبی را دو سه بار توضیح دادم و دانش‌آموز متوجه نشده ولی وقتی از همکلاسیش خواستم براش توضیح بده تقریباً بار اول متوجه شده. از سوی دیگه چون وقت کمه و مطالب زیاد بعضاً از این روش استفاده می‌کنم تا پایه‌های بالاتر به دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر در حل تمرین‌ها و دیگر مسائل درسی کمک کنند» (معلم، کد مصاحبه ۵).

۵- استفاده از ظرفیت‌های محیطی

با توجه به اینکه کلاسهای چندپایه در مناطق کم برخوردار و اکثراً در روستا دایر می‌شود می‌توان از ظرفیت‌های محیطی این مناطق در تدریس سود برد. برای مثال در تدریس علوم مبحث موجودات زنده (ریشه، چگونگی رشد، خوراک و ...)، کوه، طبیعت و نظایر این‌ها می‌توان از ظرفیت‌های روستاها در جهت عمیق‌تر شدن یادگیری دانش‌آموزان استفاده کرد. بنابراین یکی از راهبردهای تدریس در کلاس‌های چند پایه استفاده از ظرفیت‌های محیطی است که مصاحبه‌شوندگان به این راهبرد اشاره کرده‌اند. در همین راستا به تجربه زیسته دو نفر از مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌شود.

«... یکی از روش‌هایی که اکثراً خودم به کار می‌گیرم استفاده از ظرفیت‌های محیط روستا است. از آنجا که بیشتر کلاس‌های چند پایه در روستا تشکیل می‌شود باید از طبیعت و محیط اطراف مدرسه به عنوان منبع آموزشی استفاده شود، گردش‌های علمی و بازی‌های محلی زمینه مناسبی برای یادگیری می‌باشد و...» (معلم، کد مصاحبه ۲).

« از موقعیت ها و امکانات محیطی نیز می توان برای آموزش کلاسهای چند پایه استفاده کرد؛ بسته به محیطی که در اختیار داریم یا مد نظر داریم می توانیم در جهت آموزش دروس مختلف از جمله مطالعات، جغرافیا، علوم، هدیه ها و غیره استفاده کنیم. مثلاً اگر محیط مورد نظر ما یک محیط طبیعی مثل جنگل یا باغ است می توانیم از این محیط برای آموزش مفاهیم از جمله مفاهیم مرتبط در علوم استفاده کنیم. مثلاً در پایه های پایین تر می توان برای آشنایی دانش آموزان با گیاهان، نیازهای گیاهان و اجزای گیاهان و در همان محیط برای آموزش مفاهیمی مثل اکوسیستم زنجیره غذایی فتوسنتز و غیره برای پایه های بالاتر استفاده کرد و ... » (معلم، کد مصاحبه ۳).

۶- مدیریت و سازماندهی کلاس درس (توجه به چینش برنامه درسی، چینش کلاسی و...)

دویل با تلخیص یافته های پژوهشی بیان می دارد کیفیت مدیریت کلاس به «توان و پایداری برنامه آموزشی و پیوستگی فعالیتهای یادگیری» وابسته است در اصل پیش نیاز بنیادی مدیریت کلاس اثر بخشی، توان آموزشی است که خود را در موارد اشاره شده در زیر متجلی می سازد.

الف: روال مدیریت زمان، نظیر در نظر آوردن سرعت مناسب ارائه محتوای درس و انجام فعالیتهای یادگیری.

ب: کارکردهای تدریس، نظیر توجه به پیش نیازها، ارائه تمرین های هدایت شده و بازنگری نظام مند، توان آموزشی، تلاش های معلم برای تقویت یادگیری و ایجاد نظم در کلاس را مورد توجه قرار می دهد در هر صورت معلم اثر بخشی خوب می داند که مدیریت کلاس، اساساً فرآیند کاهش برفتاری نیست بلکه بیشتر فرآیندی برای ارتقای سطح رفتار مناسب و یادگیری یا افزایش یادگیری دانش آموزان است. در کنار مدیریت کلاسهای درس چند پایه، سازماندهی کلاس نیز مهم است. اگر کلاس درس به خوبی سازماندهی نشود هر اندازه طرح درس و دیگر ملزومات تدریس به خوبی فراهم شده باشد موفقیت آنچنان که شایسته است نصیب کلاس نخواهد شد. معلم کلاسهای چند پایه، در کنار مدیریت کلاس (برنامه کلاسی و غیره) باید فضای فیزیکی کلاس را نیز به خوبی سازمان کند تا همه ی دانش آموزان بتوانند از تمامی فضای موجود به خوبی استفاده کنند. چگونگی چینش میز و نیمکت در کلاس، نحوه بهره گیری از تجهیزات و فناوری و نظایر اینها تأثیر زیادی برای عملکرد معلم و دانش آموزان دارد. بنابراین یکی از راهبردهای تدریس در کلاسهای چند پایه مدیریت و سازماندهی درست کلاس درس است که مصاحبه شوندگان به این راهبرد اشاره کرده اند. در همین راستا به تجربه زیسته دو نفر از مصاحبه شوندگان اشاره می شود.

« من به عنوان معلم کلاس درس چند پایه برای اینکه بتوانم مدیریت مطلوبی در کلاس اعمال کنم. باید بتوانم زمان را به درستی مدیریت کنم، باید روشها و راهبردهای متعدد را به کار بگیرم و ... من به شخصه طرح درس روزانه را به دقت آماده می کنم، به گروه بندی دانش آموزانم توجه دارم، بعضاً چیدمان دانش آموزانم را به شکل ل در میاورم و ... تدریس روی تخته های کوچک قابل حمل یا روی برگه برای پایه های کم دانش آموز در گوشه ای از کلاس یا کنار دست شان. در ضمن در کلاس چند پایه بعضی دروس سخت با دروس راحت مثل هنر و انشاء در کنار هم گنجانده می شود تا معلم فرصت داشته باشد از روش جایگزین به خوبی استفاده کند یعنی از دانش آموزان پایه های بالاتر برای دانش آموزان پایه های پایین استفاده بکند. برنامه کلاسی مثل ورزش نیز به علت اینکه تراکم دانش آموزان کم است بهتر است در یک زنگ و مشترک انجام شود ... » (معلم، کد مصاحبه ۶).

« ... سازماندهی کلاس درس، نحوه چیدمان میز و نیمکت ها، استفاده از دیوار کلاس و سازماندهی محتوای آموزشی در کلاس های چند پایه بسیار مهم است. باید سعی شود از تمام اجزا جهت بهره گیری حداکثری در امر یادگیری استفاده شود و ... بهترین روش همراهی دروسی مانند ریاضی (۴ ساعت) و هنر (۲ ساعت) ریاضی (۴ ساعت) و یا هدیه ها و قرآن (۲ ساعت) می باشد. در این صورت به یک پایه در یک ساعت در ۱۰-۱۵ دقیقه ابتدایی توضیح مقدمات درس هنر به همراه تکلیف و کار کلاسی در برای پایه بعد تدریس کامل درس و مطالب ریاضی و در بین حل تمرینات توسط پایه فوق نظارت بر حسن انجام کار درس هنر برای پایه بعد ... همین حالت ساعت بعد برای هر دو عوض می شود و پایه که ساعت اول ریاضی داشته حالا هنر و بعدی برعکس و ... » (معلم، کد مصاحبه ۱).

بحث و نتیجه گیری

هر کشوری مشکلات آموزشی خاص خود را دارد. در حالی که کشورهای توسعه یافته اساساً درگیر اقداماتی برای افزایش آموزش هستند یا در جستجوی تکنیک‌ها و روش‌های یادگیری و تدریس جدید و کاربست آنها، کشورهای در حال توسعه برای ایجاد فرصت‌های برابر آموزش و نیز برای افزایش نرخ مشارکت همه شهروندان در آموزش عالی عمومی که واقعاً ضروری خط تلاش می‌کنند (آکسوی، ۲۰۰۸).

ماهیت تدریس در مناطق محروم و کلاس‌های چندپایه با شهرها متفاوت است. در بعضی نواحی روستایی و محروم دانش‌آموزان با سطح وسیعی از مهارت‌ها در کلاس‌های درس یکسان حضور دارند و معلم باید توانایی تدریس به چنین دانش‌آموزانی را داشته باشد. این چنین تنوع و گوناگونی مهارت‌های دانش‌آموزان در کلاسهای چند پایه ممکن است برای معلمان ایجاد مشکل نماید چرا که امکان دارد معلمان فقط در برخی موضوعات تخصص لازم داشته باشند.

در مناطق روستایی به علت کمبود یا حتی نبود امکانات از جمله کمبود آب آشامیدنی، درمانگاه، زمین بازی و غیره باعث شده که معلمان رغبت کمی برای تدریس در این مناطق داشته باشند و همین عوامل با هم باعث می‌شوند که معلمان توانا در چنین مدارسی سازماندهی نشوند و در آنجا باقی نمانند. در این مدارس معلمان اغلب جوان و بی تجربه هستند و در زمینه تدریس در کلاسهای چندپایه روستایی کارآموزی‌های لازم را نگذرانیده‌اند. بنابراین لازم است قبل از حضور در این مدارس با راهبردها و روشهای تدریس در کلاسهای چندپایه آشنا شوند تا با این دانش‌آموزان که ممکن است از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و مالی مشکلاتی داشته باشند منجر به فقر درسی نیز نگردند. حال این پرسش مطرح می‌گردد که بهترین راهبرد و روش تدریس در کلاس‌های چندپایه کدام است؟ هیچ یک از روشها و راهبردهای تدریس نمی‌توانند فی‌نفسه خوب یا بد باشد. این بیشتر وابسته به ماهیت درس و نحوه استفاده از روش دارد. بنابراین معلم باید با توجه به هدفهای آموزش هر درس و کتاب، محتوی هر درس، نیازها و علایق دانش‌آموزان، تراکم و تعداد پایه‌های موجود در کلاس و نظایر اینها مناسب‌ترین راهبرد را برای یک تدریس اثربخش در کلاس خود انتخاب نماید. چیزی که مشخص است این است که هیچ معلمی نمی‌تواند ادعا کند که در یک جلسه تدریس، فقط از یک روش خاص استفاده کرده است. این ممکن است که از یک روش بیشتر از روشهای دیگر در آن جلسه استفاده کرده است ولی از روشهای دیگر نیز کم و بیش استفاده نموده است. بنابراین با توجه به نتایج مصاحبه‌ها که همه شرکت‌کنندگان نیز اذعان کرده بودند روش تدریس غالب در کلاسهای چندپایه روش تلفیقی است. برای اینکه معلم بتواند این روش را به خوبی به کار گیرد باید شناخت و توانایی به کارگیری روشهای مختلف را داشته باشد. شرکت‌کنندگان علاوه بر روش تلفیقی به روش بحث گروهی، ایفای نقش، معلم یاری، مدیریت و سازماندهی کلاس درس، استفاده از ظرفیت‌های محیطی نیز اشاره کرده‌اند. البته روش‌های دیگر مانند روش پروژه، روش اکتشافی، حل مسئله و روشهای فعال دیگر را نیز می‌توان به توجه به تجربه زیسته محققین این مقاله به روشهای بالا افزود. این روشها به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند تا روش‌ها و وسایلی را برای تشریح عمیق یک موضوع طراحی کنند، درباره موضوعات و مسائل درسی فرضیه‌سازی کنند و با راهنمایی معلم خود به راحل‌هایی دست یابند.

در ارتباط با الگوهای تدریس می‌توان به چهار خانواده اصلی اشاره کرد، الف) خانواده پردازش اطلاعات؛ ب) خانواده اجتماعی تدریس؛ ج) خانواده الگوی تدریس فردی و د) خانواده سیستم‌های رفتاری. در این پژوهش مصاحبه‌شوندگان بیشتر به الگوهای تدریس خانواده اجتماعی اشاره کرده‌اند. همانطور که در متن بیان گردید این معلمان به روش تلفیقی، روش بحث گروهی و ایفای نقش اشاره کردند که این روشها بیشتر به خانواده الگوهای اجتماعی تعلق دارد. ولی با توجه به تجربه محققین می‌توان از الگوی پردازش اطلاعات مانند روش اکتشافی، روش کاوشگری و حل مسئله نیز برای تدریس در کلاسهای چند پایه استفاده کرد. در کنار آنها ممکن است با توجه به محتوای درسی بتوان از خانواده الگوی تدریس فردی یا حتی الگوی خانواده سیستم رفتاری نیز استفاده کرد.

چیزی که در این میان به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر مورد توجه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گرفته است، بحث برابری فرصت‌های آموزشی است و در اسناد بالا دستی مانند سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش نیز به این امر شدیداً توجه شده است. در اولویت‌های اصلی آموزش و پرورش ۸ محور بر اساس سند تحول مسترج شده است که الویت ششم آن عدالت آموزشی در جهت توسعه فرصت‌های کیفیت آموزشی است. امروز در اکثر نظام‌های آموزشی توسعه کیفی آموزش بیشتر از توسعه کمی مورد

توجه است. در این بین نظام آموزشی در کشور مان باید به این سمت بیشتر از قبل حرکت کند، یکی از ارکانی که می‌تواند در رسیدن به این مهم تاثیر گذار باشد به روز کردن آموزش‌های معلمان است. بنابراین به منظور برقراری عدالت آموزشی شایسته است به تدریس در کلاسهای چند پایه به عنوان شکل خاصی از آموزش توجه شود که شرایطی مانند دوره‌های ضمن خدمت و کارآموزی توسط مسئولین زیربنا برای چنین معلمان فراهم گردد تا این معلمان بتوانند در کلاس عملکرد خوبی داشته و به مرور فرصت‌های آموزشی شایسته‌ای برای دانش‌آموزان فراهم نمایند.

منابع

- آقازاده، محرم (۱۳۸۵). طراحی و اعتبار بخشی الگوی برنامه درسی تلفیقی مدرسه محور برای مدارس روستایی با کلاس های چند پایه، رساله دکترای برنامه ریزی درسی (چاپ نشده) ، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- آقازاده، محرم و فضلی، رخساره (۱۳۸۹). راهنمای آموزش در کلاس های چند پایه، تهران، انتشارات آبیژ.
- انصاری، افشین و حسنی کریم آباد، اشکان (۱۳۹۸). توصیف تجارب زیست شده معلمان دوره ابتدایی در مورد کلاس های چندپایه (مطالعه موردی کلاس های چندپایه اداره آموزش و پرورش منطقه انزل). مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۲(۱۷)، ۳۱-۱۶.
- بیگدلی، زهرا (۱۳۹۶). مدیریت موثر یادگیری در کلاس های چند پایه (راهنمای برای تدریس در کلاس های چندپایه). سومین همایش بین المللی افق های نوین در علوم تربیتی و روانشناسی و آسیب‌های اجتماعی. تهران.
- سپهوند، علی (۱۳۹۶). راهنمای تدریس در کلاسهای چند پایه؛ چیدمان فضا، همیار معلم، اهمیت به درس ورزش و هنر، اولین کنفرانس بین المللی همایش علوم اجتماعی تربیتی علوم انسانی و روانشناسی. تهران..
- سلیمی، داود (۱۳۸۹). از حفظ طوطی وار تا یادگیری معنادار به سوی تحول در شیوه‌های یاددهی-یادگیری، مجله تکنولوژی آموزشی: شماره ۳ دوره بیست و ششم.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۶). رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی، تهران، سمت.
- ضرغامی، سعید و بازقندی، پروین (۱۳۸۹). نمودشناسی تجربه تحصیل در کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم. فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۱(۱)، ۱۱۹-۱۴۱.
- قورچیان، نادرقلی (۱۳۹۰). جزئیات روش های تدریس، تهران، فراشناختی اندیشه.
- کدیور، پروین (۱۳۹۸). روانشناسی تربیتی، تهران، سمت.
- مرتضوی زاده، سید حشمت الله (۱۳۹۵). مدیریت و برنامه ریزی کلاس های چندپایه، تهران، کوروش چاپ.
- مکوسانا، کنعان و کاپیسا، مار جویس (۱۳۸۶). خود آموز تدریس چند پایه، مترجم آقا زاده، تهران، انتشارات آبیژ.
- یدالهی ده چشمه، آرش؛ لیاقت دار، محمد جواد و داور پناه، سید هدایت (۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت عملکرد معلمان کلاس های چندپایه. پژوهش های آموزش و یادگیری. ۱۶(۲)، ۱۴۶-۱۲۹.

- Aksoy, N.(2008). Multigrade schooling in Turkey: An overview. International Journal of Educational Development 28,pp 218-288.
- Aikman, S., & HAJ, H. E. (2006). EFA for pastoralists in North Sudan: a mobile multigrade model of schooling. Education for All and multigrade teaching, pp.193-213.
- Given, L. M. (2008). The SAGE encyclopedia of qualitative research methods. (Ed). London: Sage.
- Holloway, I & Wheeler, s. (2007). Qualitative research in nursing. (2nd Ed). London: Blackwell publishing, 2007.
- Little, A. (2004). Learning and teaching in multigrade settings. Background paper prepared for the Education for All Global Monitoring Report 2005, The Quality Imperative. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.

-Van Manen. M. (2001). Researching lived experience human science for an action sensitive pedagogy. (3rd Ed). Ontario: Althouse Press.

